

## ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۷



جنبش کارگری در سال ۹۷ وارد فرازهایی شد که در تمام طول سال‌های گذشته و ۴ دهه حاکمیت جمهوری اسلامی سابقه نداشته است. جنبش طبقه کارگر نه فقط یگانه جنبش زنده و پویایی بود که مستمرا در صحنه حضور فعال داشت، بلکه چشم‌اندازهای نوینی را فرا روی رشد و تعالی بیشتر طبقه کارگر گشود و چون مشعلی فروزان روشنی‌بخش، بر تارک تمام جنبش‌های اجتماعی درخشید. فشارهای اقتصادی اگرچه فوق‌العاده سنگین و طاقت‌فرسا بود، اما نتوانست مانع رشد و اعتلاء این جنبش شود. این

در صفحه ۳

## سران رژیم نگران‌اند، سیل مطالبات و مبارزات در پیش است

سران و مقامات جمهوری اسلامی شدیداً از عواقب اجتماعی و سیاسی سیل ویرانگری که نارضایتی مردم ایران را از وضع موجود صدچندان کرده است، نگران‌اند و این نگرانی را به اشکال مختلف بازتاب می‌دهند. توده‌های مردم ایران به‌درستی دریافته‌اند که مقصر این ویرانی بزرگ و خسارات جانی و مالی که سیل به بار آورده، نه طبیعت بلکه جمهوری اسلامی است. مردم ایران به‌درستی طبقه حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن را مقصر تمام فاجعه می‌دانند، چراکه آگاه‌اند، پیشرفت علم و دانش بشری به آن مرحله رسیده است که بتوان به‌سادگی جریانات هوا و تغییرات جوی را پیش‌بینی کرد، از مسیر حرکت ابرها و حجم بارندگی پیشاپیش خبر داشت، مردم را از قبل آگاه نمود و فراتر از آن، پیشاپیش اقدامات عملی لازم برای کنترل طغیان آب رودخانه‌ها را به مرحله اجرا درآورد و از آن در خدمت رفاه و آسایش مردم بهره گرفت. اما به‌ویژه در چند روز نخست باران‌های سیل‌آسا در گلستان و شیراز، نه‌فقط هیچ هشدار جدی از سوی دستگاه‌های دولتی داده نشد، هیچ‌گونه تدارکی برای مصون داشتن مردم انجام نشد، بلکه حتی یک کمک‌رسانی جدی صورت نگرفت و غذا و آب

در صفحه ۲

## سیل کنونی نه "برکت" که نشان بی‌لیاقتی حکومت دزدان و فاسدان است

در صفحه ۱۲



## "طلاق صوری"، یک انتخاب یا اجبار

روز ۱۳ فروردین، ملک‌نژاد، عضو هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته، در گفتگویی با خبرنگاری دولتی ایلنا، از "بحران طلاق‌های صوری" و تبدیل آن به یک "معضل جدی" برای سازمان تأمین اجتماعی خبر داد. به گفته‌ی وی: "عده‌ای با سوءاستفاده از طلاق‌های صوری حقوق پدران را که از دنیا رفته‌اند از سازمان تأمین اجتماعی می‌گیرند. این افراد طلاق را در دفترخانه ثبت می‌کنند اما به صورت صیغه ۹۹ ساله به همان شوهرشان رجوع و زندگی می‌کنند و در اصل همان خانه و خانواده را دارند." منظور او در این مصاحبه، دختران بازنشستگان متوفی است، زیرا براساس ماده ۸۰ قانون سازمان تأمین اجتماعی، یکی از شرایط دریافت

در صفحه ۹

## ادعاهای قلبی خامنه‌ای

روز چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه ۹۸ مسئولان جمهوری اسلامی از جمله سران سه قوه و تعدادی از سفرای کشورهای اسلامی به بهانه بعثت پیامبر اسلام به حضور خامنه‌ای رفتند. در این دیدار، ابتدا حسن روحانی طی افاضاتی از "مقاومت، استواری و ایستادگی" ملت ایران در مقابله با "دشمنان بشریت" سخن گفت و سپس خامنه‌ای با سرهم بندی کردن یک سری ادعاهای دروغین برای پامنبری های خود به روضه خوانی پرداخت. از حواشی سخنان خامنه‌ای که بگذریم، اس و اساس سخنان او بر این دو موضوع استوار بود. اول: "اینکه گفته می‌شود دشمن تراشی نکنید، حرف نادرستی است" و دوم: "دشمنی با جمهوری اسلامی، دشمنی با

در صفحه ۶

## به کمک سیل زدگان بشتابیم

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در ایران

در صفحه ۵

## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست جبران خسارات، حق سیل‌زدگان است

در صفحه ۸

## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## سران رژیم نگران اند، سیل مطالبات و مبارزات در پیش است

آشامیدنی لازم هم برای مردم سیل زده فراهم نشد. آنچه که انجام گرفت، فقط با یاری و همدلی خود مردم بود. تازه وقتی که هشدار به راه افتادن سیل در مناطق غرب و جنوب داده شد و از مردم خواسته شد که شهرها و روستاها را تخلیه کنند، جایی برای اسکان این مردم تدارک دیده نشده بود. به مردم دستور تخلیه چندین شهر و روستا داده شد، اما معلوم نبود دهها هزار تن از مردم به کجا باید پناه ببرند!

در هر کشوری قاعداً باید از قبل یک رشته اقدامات عملی احتیاطی برای مواقعی که با ریزش شدید باران‌های ادامه‌دار احتمال طغیان رودخانه‌ها وجود دارد، یا مواقعی که یک کشور با خشکسالی مواجه می‌شود، انجام گرفته باشد. در رژیم جمهوری اسلامی، اما مطلقاً کاری از این بابت انجام نگرفته است. نمتتها رژیمی که هرگز به فکر جان و هست و نیست مردم نبوده، هیچ اقدام جدی برای مقابله احتیاطی با سیل و طغیان آب رودخانه‌ها انجام نداد، بلکه بالعکس، با ویران کردن طبیعت، نابودی جنگل‌ها، ساختوسازهای محاسبه نشده و بی‌رویه، مسدود کردن مسیل‌ها، اغلب مسیرهای قبلی بسیاری از سیل‌ها را نیز در این سال‌ها از بین برد. رودخانه‌ها نیز هرگز لایروبی نشدند. سد هایی که ایجاد شد نیز به‌درستی مدیریت نشدند. بنابراین مردم درست می‌گویند که جمهوری اسلامی مسئول این فاجعه است و نه طبیعت، باران و طغیان آب رودخانه‌ها.

جمهوری اسلامی صدها میلیارد ثروت کشور را در طول این چهار دهه بر باد داد. سران و مقامات این رژیم هرچه می‌توانستند از درآمد و ثروت‌های کشور دزدیدند و غارت کردند. میلیاردها دلار را صرف هزینه جنون توسعه‌طلبی پان‌اسلامیستی و کمک به دولت‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا کردند، اما هرگز اقدامی احتیاطی برای مقابله با دوره‌های خشکسالی و ترسالی صورت نگرفت. اگر نظمی در ایران حاکم می‌بود که در پی منافع توده مردم بود، می‌دانست باران در همه حال خواهد آمد. گاه محدود و گاه شدید و بیش‌ازحد معمول. بنابراین از قبل اقدامات احتیاطی صورت می‌گرفت تا آب مازاد برای سال‌های خشکسالی به‌قدر کافی ذخیره شود و بقیه آن در مسیر درست به‌سوی دریا یا رشته‌های دیگر رودخانه‌ها هدایت شود. اما جمهوری اسلامی مطلقاً کاری در این زمینه نکرد و مردم ایران فشار و خسارت این بی‌توجهی را هم در خشکسالی و هم ترسالی دیده و می‌بینند.

مردم مقصر اصلی را شناخته‌اند. شدیداً عصبانی‌اند و این نارضایتی و عصبانیت به درجه‌ای است که سران و مقامات رژیم هنگام به‌اصطلاح بازدیدهای نمایشی‌شان از مناطق سیل‌زده باخشم شدید مردم ناگزیر به فرار شده‌اند. در چند مورد نیز نیروهای مسلح رژیم به اعمال قهر و سرکوب علیه مردم متوسل شدند تا این خشم را فرو نشانند. اما این خشم و نارضایتی فقط مقدمه‌ای بر آن چیزی است که هنوز در پیش

است. به‌محض این‌که سیل فرونشیند، رژیم در سراسر مناطق سیل‌زده با موجی از اعتراضات و مبارزات مواجه خواهد شد.

از همین روست که سران و مقامات رژیم از هم‌اکنون هشدار می‌دهند و اظهار نگرانی می‌کنند. وزیر کشور در ستاد مدیریت بحران می‌گوید، مشکلات هنوز در پیش است. "سیل تمام می‌شود اما مشکلات باقی می‌ماند." بله! آن‌هم سیلی از مطالبات و مبارزات که رژیم پاسخی برای آن ندارد. دهها تن از مردم ایران جان خود را از دست داده‌اند، صدها تن مصدوم و صدها هزار تن آواره، که کار و منبع تأمین معاش خود را از دست داده‌اند. رژیم باید پاسخگوی این مردم داغ‌دیده و خسارت‌دیده باشد. دهها هزاران تن از مردم ایران کار و منبع معاش خود را از دست داده‌اند، آن‌ها خواستار دریافت حقوق و امکانات برای زندگی کردن هستند. دهها هزار واحد مسکونی و محل کار مردم در شهرها و روستاها یا به‌کلی ویران شده یا آسیب‌های جدی دیده‌اند. مردم خواستار جبران تمام این خسارات هستند. در روستاها، مساکن مردم به همراه مزارع، محصولات کشاورزی و دام‌های آن‌ها نابود شده‌اند، آن‌ها خواستار جبران تمام این خسارات هستند.

سران حکومت می‌دانند که نمی‌شود به‌سادگی مطالبات مردمی را که این‌همه آسیب و خسارت‌دیده‌اند، نادیده گرفت. بنابراین برای آرام کردن مردم، به‌رسم معمول و همیشگی‌شان از هم‌اکنون وعده‌و وعید را آغاز کرده‌اند. وزیر کشور می‌گوید: "رهبر انقلاب خسارت‌های جانی و مالی را مطرح کردند و از دستگاه‌های اجرایی خواستند سریع‌تر این مشکلات را پیگیری و برای رفع آن تلاش کنند." این‌ها حرف مفت است و مردم به وعده‌ها و ادعاهای پوشالی باور ندارند. این را رئیس مجلس رژیم هم فهمیده است. او در اهواز گفت: عده‌ای از بابت خانه، مزرعه و دام‌های خود نگران‌اند و به وعده‌ها اطمینان نمی‌کنند.

"به گزارش خبرگزاری دولتی تسنیم از اهواز، علی لاریجانی با اشاره به لزوم پرداخت خسارت به دامداران و روستاییان اظهار داشت: در سیل اخیر به خلاف دفعات قبل که آقایان خلف وعده کردند، به سبب دستور رهبری نسبت به پرداخت به‌موقع خسارات، آسیب‌هایی که به روستاییان وارد شده پرداخت می‌شود."

وی در بازدید از سد و نیروگاه کرخه در گفتگو با خبرنگاری صداوسیما نیز گفت: "دولت خسارت‌هایی که به کشاورزان و احشام زده‌شده بپذیرد و اگر ساختمانی از بین رفته اقدامات کارشناسی برای پرداخت وام‌های مورد نیاز برای پرداخت وام به مردم انجام شود."

اما وی در همان حال افزود: "معلوم نیست بتوانیم ردیفی برای پرداخت خسارت سیل در بودجه ۹۸ ایجاد کنیم. در بودجه ۹۸ متأسفانه ردیفی برای تأمین خسارت حوادثی مانند سیل دیده نشده و باید تصمیم دیگری برای تأمین پرداخت هزینه‌های خسارت سیل گرفته شود."

این بار هم همچون صدها نمونه دیگر آن درگذشته، وعده می‌دهند. لاریجانی می‌گوید: مشکل است در بودجه بتوان ردیفی برای پرداخت خسارت سیل ایجاد کرد. صدها میلیارد تومان بودجه ارگان‌های نظامی و دستگاه انگل روحانیت دیگر چیزی باقی نگذاشته است. آن‌قدر هزینه‌های آن‌ها هنگفت است که بافرمان خامنه‌ای یک ونیم میلیارد دلار نیز از صندوق توسعه ملی برای «تقویت بنیه دفاعی ایران» برداشت شد. اکنون باید دید که چه می‌کنند. ورشکستگی مالی دولت آشکار است. هم‌اکنون بودجه دولت حدود ۱۰۰ میلیارد تومان کسری دارد. زمزمه‌هایی است که مبلغی از صندوق توسعه ملی برای جبران خسارت برداشت شود. اما معلوم نیست چقدر؟ برای هزینه‌های نظامی آن‌قدر دست و دل‌باز هستند که هر قدر لازم باشد اختصاص می‌دهند. در این مورد هنوز چیزی معلوم نیست. اما رژیم ورشکسته با معضلات جدی‌تری روبه‌رو خواهد شد. باید میلیاردها دلار نیز به‌فوری صرف هزینه زیرساخت‌های ویران‌شده کند. همه این هزینه‌ها بحران اقتصادی و مالی را تشدید خواهد کرد. رژیم تلاش خواهد نمود بار آن را بازم بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دهد. نارضایتی و اعتراض از این بابت نیز افزایش خواهد یافت.

اما آنچه که فوری است و به خسارات جانی و مالی مردم سیل‌زده مربوط می‌شود، این است که به وعده‌های رژیم مطلقاً نباید اعتماد کرد. این رژیم دزد، فاسد و فریبکار، تلاش خواهد کرد با وعده‌و وعید مردم را سر بدهاند و خسته کند. هنوز پس از گذشت سی سال از پایان جنگ، برخی خرابی‌ها باقی است. زلزله بم نمونه دیگری است. هیچ اعتمادی به وعده‌های رژیم نباید کرد. مردم تمام مناطقی که متحمل خسارات مالی و جانی شده‌اند، نباید اجازه دهند که دولت با پرداخت مبلغی ناچیز یا احياناً وام‌های که مردم را مقروض خواهد کرد، از زیر بار جبران خسارت‌ها شانه خالی کند. مردم مناطق سیل‌زده باید از هم‌اکنون ابتکار عمل را در دست خود بگیرند. در هر محله، شهر و روستا، تعدادی از افراد مورد اعتماد خود را انتخاب و کمیته‌هایی را تشکیل دهند که یکی از وظایف آن‌ها ارزیابی خسارات مالی است که به هر فردی وارد آمده است. باید از طریق این کمیته‌ها مبارزه متشکلی را سازمان داد و دولت را واداشت که مطابق ارزیابی این کمیته‌ها، خسارات را فوری و بی کم‌وکاست جبران کند و هزینه معاش مردمی که کار و تمام منبع معاش خود را از دست داده‌اند، نیز تأمین گردد.



## ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۷

واقعیت بر کسی پوشیده نیست که افزایش جهشی و چندباره قیمت‌ها، دو سه برابر شدن قیمت کالاهای مورد نیاز کارگران و رشد افسار گسیخته نرخ تورم در سال ۹۷، دست کم دو سوم قدرت خرید کارگران را ربود. سنگینی فشارهای طاقت‌فرسای معیشتی که بر گرده طبقه کارگر آوار شد تمام مرزهای پیشین را پشت سر گذاشت و فقر مطلق قرار داد. بهرغم این اما جنبش کارگری نه فقط در برابر این تعرض گسترده و در عرصه مبارزه برای خواست‌های اقتصادی و معیشتی، بلکه فراتر از آن در عرصه مبارزه برای خواست‌های سیاسی، قویا اظهار وجود کرد و تمامیت نظام سرمایه‌داری حاکم را به چالش کشید. پیشرفت‌های جنبش بالنده طبقه کارگر در سال ۹۷ چنان درخشان و خیره‌کننده بود که ستون‌های نظم موجود را لرزاند و در دل حاکمان هراس انداخت. طبقه حاکم و دولت پاسدار منافع آن در وحشت از تعمیق و گسترش جنبش طبقه کارگر، سرکوب قهری و ددمشکی علیه طبقه کارگر را به حد اعلاء رساند. اما بهرغم تمام فشارهای اقتصادی و معیشتی و بهرغم سرکوب‌های خشن و تاکتیک‌های مذبحانه رژیم در راستای ایجاد نفاق و برهم زدن اتحاد کارگران، جنبش کارگری در سال ۹۷ متحدتر از سال‌های گذشته روند اعتلاء یابنده‌ای را پیمود. در این زمینه به شاخص‌ها و ویژگی‌های متعددی می‌توان اشاره کرد.

شمار اعتصابات کارگری در سال ۹۷ باز هم فزونی گرفت. اعتصابات مکرر، یکپارچه و طولانی مدت از نمونه اعتصابات هیکو، فولاد و هفت‌تپه، نشان‌گر رشد آگاهی و درجه بالای سازمانیابی در میان کارگران بویژه در این واحدهاست. سی‌چهار روز اعتصاب مستمر و یکپارچه چند هزار کارگر، کار ساده‌ای نیست. این تیپ اعتصابات حتا در کشورهایی که یک آزادی سیاسی نسبی وجود دارد، کارگران از حق اعتصاب برخوردارند، صندوق اعتصاب و همپاری دارند و در اتحادیه و سندیکا متشکل شده‌اند کم‌سابقه و کار بسیار مشکلی است. روشن است که در جمهوری اسلامی که طبقه کارگر از همه این‌ها محروم است، برپایی یک چنین اعتصابات بسیار مشکل‌تر و بغرنج‌تر است. بدون سازماندهی، روشن است که هیچ حرفی از اعتصاب نمی‌توان به میان آورد. بنابراین روشن است که اعتصابات کارگری در سال ۹۷ از جمله اعتصابات طولانی مدت بیان‌گر وجود یک سازماندهی قوی و رشد چشمگیر درجه سازمانیابی در میان کارگران است.

در سال ۹۷ نیز اگرچه مهم‌ترین و پرشمارترین شکل مبارزه کارگری اعتصاب و خواباندن چرخ تولید بود، اما کارگران برای تحقق مطالبات خود در اشکال بسیار متنوعی دست به مبارزه زدند. در این میان اشکال رادیکال و تعرضی مبارزه کارگران بویژه جمع‌ات و راهپیمایی‌های پرشور خیابانی توأم با سخنرانی‌های آگاه‌گرانه و شورانگیز نمایندگان کارگران، گسترش بیشتری یافت و بسیار پررنگ‌تر شد. تظاهرات خیابانی

در موارد متعددی با ایجاد امیندان، بستن خطوط راه‌آهن و امثال آن همراه شد. برخی چهارراه‌ها و میدانی بزرگ شهرها، ساعت‌ها به اشغال کارگران درآمد. در برخی واحدها کالاهای انبار شده به تصرف کارگران درآمد. کارگران از خروج این کالاهای و ابزار و وسایل تولید ممانعت به عمل آوردند. برخی جمع‌ات به درگیری و تیراندازی هوایی و شلیک گاز اشک‌آور منجر شد. به روشنی می‌توان گفت اشکال مبارزه کارگری در کلیت خود، رادیکال‌تر شد. رادیکالیسم در شکل مبارزه در عین حال با ارتقاء روحیه تعرضی کارگران همراه بود. صف کارگران اعتراض‌کننده‌ای که به مبارزه علنی مستقیم و خیابانی با رژیم روی آوردند فشرده‌تر شد. روحیه تعرضی تا بدان جا ارتقاء یافت که کارگران نمازهای جمعه و مراسم "مقدس" رژیم را به تجمع اعتراضی علیه رژیم تبدیل کردند.

سال ۹۷ سالی است که جنبش طبقه کارگر به لحاظ سیاسی نیز رشد چشمگیری داشت. شعارها و خواست‌های سیاسی کارگران آشکارا افزایش یافت و خصلت سیاسی و ضد دولتی مبارزات طبقه کارگر پررنگ‌تر شد. جنبه‌های ضد سرمایه‌داری هم در شعارها و خواست‌ها و هم در پلاکاردها قوی‌تر شد. کارگران در جریان اعتصابات و مبارزات خود بیش از پیش دریافته‌اند که تنها یک کارفرما و سرمایه‌دار منفرد در مقابل آن‌ها نیست، بلکه تمام مسئولین و مقامات دولتی، حراست و نیروی انتظامی و امنیتی نیز در صف مقابل آن‌ها و در سمت سرمایه‌دار ایستاده‌اند. کارگران با وضوح بیشتری به ماهیت دولت پی بردند و دریافته‌اند بلوکی از سرمایه‌داران و حافظان نظم سرمایه‌داری در مقابل آن‌ها صف کشیده‌اند. مبارزات شورانگیز کارگران در سال ۹۷ به آنان آموخت که بایستی خود را به مثابه یک طبقه متشکل ساخته و برای مقابله با طبقه سرمایه‌دار حاکم آماده و تجهیز کنند. خصلت سیاسی مبارزات طبقه کارگر، حضور فعال و موثر و پررنگ کارگران آگاه و پیشرو و سخنان پرشور آگاه‌گرانه و ضد سرمایه‌داری نمایندگان کارگران در جمع کارگران هیکو، فولاد و هفت‌تپه، این واقعیت را به اثبات رساند که آگاهی سیاسی در میان کارگران از رشد و ارتقاء بالایی برخوردار شده و این کارگران به ماهیت نظام سرمایه‌داری و ضرورت تلاش و مبارزه برای نابودی آن پی برده‌اند.

سال ۹۷ در عین حال سال تقویت روحیه اتحاد و همبستگی میان کارگران بود. در این سال، صحنه‌های شوق‌آور و غرورانگیزی از اتحاد و همملی و همبستگی کارگران آفریده شد که تاکنون کم‌تر سابقه داشته است. جریان اعتصاب و مبارزه کارگری در هیکو فولاد و هفت‌تپه نه فقط صحنه‌های شورانگیزی از اتحاد همبستگی میان کارگران این واحدها آفرید، بلکه یک اتحاد و همبستگی عمیق و گسترده طبقاتی در مقیاس سراسری را رقم زد. قدرت اتحاد و همبستگی و پتانسیل مبارزاتی طبقه کارگر برای مقابله با طبقه سرمایه‌دار تقویت شد.

سال ۹۷ در عین حال حضور خانواده‌ها در اعتراضات خیابانی بیش از پیش گسترش یافت. شرکت زنان و کودکان در تظاهرات خیابانی، حمل پلاکاردها و سر دادن شعار در حمایت از کارگران، مسائل طبقه کارگر را بیش از پیش به میان سایر زحمتکشان برد و در جلب حمایت آن‌ها بسی موثر افتاد. از این مهم‌تر حضور فعال کارگران زن نه فقط در اعتصابات و اعتراضات کارگری، بلکه در جایگاه سخنران و رهبر عملی کارگری است. جنبش کارگری در سال ۹۷ تا بدان جا پیشرفت داشته است که برخی کارگران زن، در نقش و جایگاه رهبران عملی کارگری ظاهر شدند و انحصاری بودن سخنرانی و سخنگویی مردانه در جمع کارگران در هم شکست. هفت‌تپه که در سال ۹۷ پیش‌تاز مبارزات کارگران و تابناک‌ترین ستاره آسمان جنبش کارگری بود، در این جا هم پیش‌تاز شد.

پدیده بسیار مهم دیگری که جنبش کارگری در سال ۹۷ شاهد آن بود، گسترش اعتصابات سراسری رشته‌ای بود. سال ۹۷ علاوه بر گسترش کمی جمع‌ات و اعتراضات خیابانی و اعتصابات تک واحدی، در چندین مورد کارگران یک رشته معین دست به اعتراض و اعتصاب سراسری زدند. این روند که از چند سال پیش آغاز شده و کارگران در رشته پتروشیمی، برق، مخابرات و تا حدودی معادن زغال سنگ به کرات اعتصابات و جمع‌ات سراسری را سازمان داده‌اند، در سال ۹۷ به بخش‌ها و گروه‌های دیگری از کارگران نیز تعمیم یافت. چند اعتصاب سراسری کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی و همچنین چندین اعتصاب کارگران حمل‌ونقل خلیج فارس به‌طور همزمان در چند استان، نمونه‌هایی است که ادامه روند افزایش اعتصابات فراواحدی و رشته‌ای را نشان می‌دهد. مهم‌تر از این در سال ۹۷ چند اعتصاب بزرگ و سراسری کارگران راه‌آهن (کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی) که حدود هفت هزار نفرند و همچنین چند اعتصاب بزرگ رانندگان کامیون را داشتیم (تعداد این رانندگان حدود ۹۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود) که هیچ یک از این‌ها در سال‌های قبل از آن و در این ابعاد سابقه نداشته است. گذار اعتصابات تک واحدی به اعتصابات چند واحدی یا در واقع اعتصابات سراسری در یک رشته معین با گسترش بیشتری همراه شد. روند گسترش یابنده اعتصابات فراواحدی و اعتصابات سراسری کارگران در یک رشته معین، بیان‌گر این واقعیت است که کارگران پیشرو در واحدهای مختلف یک رشته، توانسته‌اند ارتباط‌هایی میان خود برقرار سازند و با ایجاد تشکلهای کمیته‌ها و شوراهایی برای هماهنگی مبارزات و خواست‌های خود، قادر شده‌اند اعتصاب سراسری در یک رشته معین را سازمان دهند. این نوع تشکل یا شورای هماهنگی در چند رشته از جمله در راه‌آهن، رانندگان کامیون، حمل‌ونقل و امثال آن شکل گرفته و طبقه کارگر را از لحاظ تشکلیابی گام‌هایی به جلو برده است. اعتصاب سراسری در یک رشته معین، زمینه‌های مناسبی برای اعتصاب در رشته‌های مرتبط با نزدیک با آن رشته را نیز فراهم می‌کند. برای نمونه سومین اعتصاب سراسری و بزرگ رانندگان کامیون که



## ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۷

با فراخوان "اتحادیه هماهنگ‌کنندگان رانندگان ایران" از اول مهر ۹۷ آغاز شد، نه فقط از دو اعتصاب پیشین رانندگان در خرداد و مرداد ۹۷ گسترده‌تر بود و ۲۷۰ شهر را در بر گرفت، بلکه پیوستن ناوگان مسافری خوزستان به اعتصاب و حمایت از رانندگان کامیون را نیز در پی داشت. ادامه و گسترش این نوع اعتصابات می‌تواند زمینه‌های اعتصاب عمومی سیاسی و قیام را هموار و فراهم سازد.

تمامی روندها و ویژگی‌هایی که فوقا به آن اشاره شد، خصوصیت‌ها و روندهایی است که هر یک حتی به تنهایی نشان از رشد اعتلاء جنبش طبقه کارگر است. در کنار هم قرار گرفتن مجموعه این روندها و ویژگی‌ها اما جایی حتماً برای دشمنان طبقه کارگر باقی نمی‌گذارد که جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۷ مسیر تعالی و تکامل را طی کرده و رشد و اعتلاء یافته است. با این همه، این هنوز تمام زوایا و چهره کامل جنبش کارگری در سال ۹۷ را بازگو نمی‌کند. وقتی که پرچم شوراها در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد، وقتی که شورای مستقل کارگران هفت‌تپه از دل مبارزات کارگران این شرکت پا به عرصه حیات نهاد، وقتی که خواست گرایش طبقه کارگر به اعمال کنترل و نظارت کارگری بر تولید و توزیع در شعارها و مبارزات کارگران هفت‌تپه تجلی یافت، وقتی که نعره‌ی رعدآسای اداره شورایی کارگر هفت‌تپه در تمام فضای سیاسی جامعه طنین‌انداز شد و آن را به تسخیر خود درآورد، آن‌گاه مشخص شد که طبقه کارگر با چه سرعتی در حال پیشروی است، آن‌گاه مشخص‌تر شد که طبقه کارگر با چه شتاب شگفت‌انگیزی تمام مرزهای نظم موجود را می‌تواند پشت سر نهد و خود را برای انجام وظایف بسیار مهم و خطیری که تشدید و تعمیق مبارزه طبقاتی به ناگزیر بر عهده وی خواهد گذاشت، آماده و تجهیز کند.

شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی که در آغاز توسط بخش پیشرو طبقه کارگر (هفت‌تپه) مطرح شد، در پرتو استمرار اعتصاب و تظاهرات خیابانی و جسورانه این کارگران، به سرعت از سطح کارگران هفت‌تپه فراتر رفت و به شعار و خواست میلیون‌ها کارگر و نیز شعار سراسری عموم کارگران و زحمتکشان تبدیل شد. طبقه کارگر ضمن مبارزه اخص خود علیه طبقه سرمایه‌دار و تاکید بر خواست‌های خود، پرچمدار مبارزه برای دستیابی به مطالبات سایر زحمتکشان نیز شد. شعاری که بر پرچم کارگران هفت‌تپه نقش بسته بود، نه فقط اتحاد و همبستگی طبقاتی وسیعی را در میان کارگران رقم زد، بلکه حمایت و همبستگی گسترده و سراسری معلمان، دانشجویان، پرستاران، جوانان، زنان و بازنیستگان را نیز در پی داشت. اتحادی که میان کارگران و زحمتکشان تحت رهبری، پیشگامی و اتوریته کارگران در خوزستان شکل گرفت، نمونه کوچک و مشخص آن چیزی است که باید در کل جامعه و مقیاس سراسری رخ دهد. خوزستان الگوی کارگران و زحمتکشان شد. طبقه کارگر با طرح شوراها و بوسیله اتحاد و

همبستگی بی‌مانندی که در جامعه به آن شکل داد، دورنمای روشنی را در برابر آحاد کارگران و زحمتکشان گشود و شایستگی و توانایی خود برای هدایت و رهبری تمام جامعه را به اثبات رساند.

سال‌های گذشته، بویژه دی‌ماه سال ۹۶، کارگران، بیکاران و تهیدستان و عموم مردم زحمتکش در اعتراضات خیابانی و در شعارهای صریح و روشن خود، به وضوح گفته بودند چه نمی‌خواهند. در شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر جمهوری اسلامی به روشنی بیان و بر آن تاکید می‌شد که اعتراض‌کنندگان چه نمی‌خواهند! اما این که بطور مشخص چه می‌خواهند روشن نبود. این پرسشی بود که طبقه کارگر باید به آن پاسخ می‌داد. طبقه کارگر با طرح جسورانه آلترناتیو شورایی به این پرسش، پاسخ صریح و مشخص داد و در جایگاه رهبر جامعه ظاهر شد. طرح صریح و شجاعانه آلترناتیو شورایی به عنوان جایگزین رژیم حاکم، که نه در جنبش کارگری سابقه داشت و نه در جنبش‌های اجتماعی دیگر، جنبش طبقه کارگر را صدها گام به جلو برد. طبقه کارگر با طرح آلترناتیو شورایی، تمام آلترناتیوهای قلابی و بورژوازی را در بهت و حیرت فرو برد و موجودیت‌شان را از موضوعیت انداخت. هفت‌تپه بساط همه آن‌ها را به هم ریخت. هفت‌تپه نشان داد که این تنها طبقه کارگر است که می‌تواند آلترناتیو باشد. طبقه‌ای که با استراتژی و تاکتیک‌های مشخص پرولتری و با شعارها و مطالبات مشخص، با قدرت تمام پا به صحنه مبارزه طبقاتی نهاده است. هفت‌تپه به همه دوستان و دشمنان طبقه کارگر نشان داد که تنها طبقه کارگر است که می‌تواند با طرح شعارها و خواست‌های رادیکال و انقلابی سایر زحمتکشان را زیر پرچم سرخ خود گرد آورد و تمام جامعه را از چنگال فقر و بدبختی نجات دهد. وقتی که فریاد رهایی‌بخش طبقه کارگر از حنجره خوزستان، قلب تپنده فلزوکار و زادگاه پرولتاریای ایران در آسمان جامعه طنین‌انداز شد، وقتی که فریاد رعدآسا، و نافذ طبقه کارگر تارهای صوتی تمام افشار زحمتکش جامعه را به ارتعاش درآورد و بر پیکر نظم پوسیده حاکم ریشه مرگ انداخت، ترس و وحشت سرتاپای طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن را فرا گرفت. آن‌گاه تمام ظرفیت و توان خود را برای انتقام‌جویی از طبقه کارگر و در هم کوفتن جنبش کارگری به کار گرفت.

بدون بررسی و یا اشاره به تشدید اقدامات قهری و سرکوبگرانه و تاکتیک‌های ضد کارگری رژیم علیه طبقه کارگر و تشکل‌ها و فعالان کارگری، بررسی و ارزیابی ما از جنبش طبقه کارگر در سال ۹۷ ناقص خواهد بود. هر جا اعتصاب و اعتراض متشکلی سازمان یافت، ارتجاع حاکم بی‌معطلی به سرکوب تشدید و قهری متوسل شد. در همان روزهای نخستین سال ۹۷، ۲۰ کارگر هفت‌تپه با اخطار کتبی به دادگاه احضار شدند. ۱۰ کارگر بازداشت و شمار دیگری از جمله اسماعیل بخشی عضو هیات مدیره سندیکای

کارگران نیشکر هفت‌تپه، ممنوع‌الورود شدند. نیروی انتظامی برای درهم شکستن اعتصاب کارگران هفت‌تپه، کارخانه نیشکر را به اشغال خود درآورد و با زور، کوره بخار را روشن کرد. در اعتصابات بعدی کارگران هفت‌تپه نیز همین احضارها و ارباب و سرکوب و اعمال قهر علیه کارگران ادامه یافت. خرداد ۹۷، ۳۵ تن از کارگران هفت‌تپه، به دستور مستقیم قوه قضایی احضار و مورد محاکمه و بازجویی و تهدید قرار گرفتند. بار دیگر ۷۰ کارگر هفت‌تپه بازداشت و مورد بازجویی و محاکمه قرار گرفتند. تمام این محاکمات و بازجویی‌ها، با تهدیدات گوناگون و بخشا با ضرب و شتم و اهانت به کارگران همراه بود. اعتصاب و راهپیمایی‌های خیابانی آبان‌ماه کارگران هفت‌تپه، با سرکوب خشن‌تری روبرو شد. در یورش وحشیانه نیروهای گارد ویژه ۱۸ کارگر و یک زن خبرنگار بازداشت و زندانی شدند. این دستگیری به پرونده‌سازی علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه آن‌ها منجر شد. اسماعیل بخشی تا سر حد مرگ شکنجه شد. علی نجاتی عضو با سابقه هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، با زور بازداشت و روانه زندان شد و زیر فشار و شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفت.

در فولاد اهواز نیز کارگران چندین و چندبار احضار و بازجویی شدند. ۱۲ خرداد ۹۷ نیروهای گارد ویژه با هجوم وحشیانه به کارگران ده‌ها تن را بازداشت و زندانی کردند. در ظرف دو روز، شمار بازداشت‌شدگان به ۶۰ نفر رسید. در یورش شبانه ۲۵ آذر نیروهای سرکوب، ده‌ها کارگر بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ۲۷ آذر تعداد بازداشت‌شدگان به ۴۳ کارگر رسید. در هیکو نیز کارگران بارها احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. ۱۵ فعال اعتصاب در دادگاه کیفری دو اراک، هر یک به ۶ ماه تا یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. سال ۹۷ ارباب و پیگرد و فشار علیه کارگران پیشرو و فعالان سندیکایی تشدید شد. آبان ۹۷ حکم ۵ سال و ۳ ماه زندان ابراهیم مددی نایب رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. داود رضوی عضو دیگر هیات مدیره سندیکا به ۵ سال حبس محکوم شده بود. رانندگان کامیون نیز از سرکوب و بازداشت و زندان برکنار نماندند. در برابر پیشرفت و تعالی مبارزات رانندگان کامیون و در جریان سومین اعتصاب سراسری آن‌ها، دادستان کل جمهوری اسلامی رانندگان مبارز را "قطاع الطريق" (راهزن) خواند و آنان را به اعدام تهدید کرد. تعقیب و آزار و پیگرد و پرونده‌سازی علیه رانندگان کامیون شدت گرفت. رژیم جمهوری اسلامی از ترس تسری اعتصاب به تمام ناوگان حمل‌ونقل بار و مسافر و خطوط ریلی و سازمانیابی یک اعتصاب سراسری در تمام بخش‌های حمل و نقل کالا و مسافر، به سرکوب شدید و علنی رانندگان متوسل شد و صدها تن از رانندگان را در شهرهای مختلف بازداشت و روانه زندان کرد.

این نمونه‌ها گوشه‌ای از تشدید سرکوب و اعمال قهر و خشونت علیه کارگران را نشان می‌دهد.

## ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۷

طبقه حاکم اما به این هم اکتفا نکرد. اعمال فشار و تشدید سرکوب و خشونت علیه کارگران آگاه و فعالان اعتصاب، تنها در شکل احضار و بازداشت و بازجویی و شکنجه نبود. وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای حکومتی به منظور تخریب و ایزوله کردن و در نهایت برچیدن تشکلات مستقل کارگری، به توطئه‌چینی علیه آن‌ها متوسل شد. ارتجاع حاکم که بیش از یک دهه اعمال فشار و سرکوب سیستماتیکش علیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پیگرد و احضار و محاکمه دائمی فعالان سندیکا و اخراج و بریدن حبس‌های طولانی مدت برای آن‌ها به منظور از هم پاشاندن و انحلال سندیکا ناکام مانده بود، به توطئه جدید علیه این سندیکا و فعالان آن متوسل شد و درصدد تخریب فعالان سندیکا و علم کردن یک سندیکای تقلبی در این شرکت برآمد. اما هوشیاری سندیکا و اعضای آن توطئه شوم رژیم را ناکام گذاشت. کارگران شرکت واحد بطور یکپارچه از سندیکای خود به دفاع برخاستند و پاسخ دندان‌شکنی به توطئه‌گران و سندیکاسازان قلابی دادند. پروژه ضد کارگری سندیکا سازی قلابی دست پخت وزارت اطلاعات با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. در جریان این توطئه، پنه بسیاری از حامیان دروغین و ریز و درشت طبقه کارگر نیز روی آب ریخت و مشت آن‌ها باز شد. چه آن‌ها که در برنامه‌ریزی و اجرای این توطئه سهم مستقیمی برعهده گرفته و آشکارا از پروژه سندیکاسازی نهادهای دولتی و امنیتی حمایت کردند، چه کسانی که با سکوت و به اصطلاح بی‌طرفی خود، عملاً توطئه علیه سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد را تایید کردند. ناکامی توطئه‌گران در ایجاد یک سندیکای قلابی و ایزوله کردن سندیکای واقعی کارگران شرکت واحد نشان داد که کارگران و جنبش طبقاتی آن‌ها به چنان مرحله‌ای از رشد خود رسیده‌اند که در برابر چنین ترفندها و توطئه‌هایی بایستند و از تشکلات مستقل و فعالان کارگری دفاع کنند.

سال ۹۷ در هفت‌تپه نیز تلاش‌های زیادی برای ایجاد شکاف و اختلاف در سندیکا و نیز ایجاد نفاق و جدایی میان هیات مدیره سندیکا و کارگران این شرکت به عمل آمد و یک شورای اسلامی سرهم‌بندی شد. برای ایجاد نفاق و دو دستی در میان کارگران، رژیم به حربه ارباب و تهدید یا تطمیع و حتا تلاش برای خریدن افراد نیز متوسل شد. اما کارگران تقریباً در همه جا این تاکتیک‌ها را خنثا کردند. شورای اسلامی در هفت‌تپه نیز، بطور یکپارچه از سوی کارگران هفت‌تپه بایکوت شد. یکی از نمایندگان کارگران فولاد اهواز در قبال این تاکتیک رژیم و عمال آن برای تطمیع کارگران، ضمن اشاره به نقشه پلید مدیریت و حامیان آن به منظور خریدن کارگران و ایجاد دو دستی به صراحت گفت: "اشتباه فاحشی کردید که گمان بریدی می‌توانید صفوف ما را بشکنید، ما خریدنی نیستیم". علاوه بر همه این‌ها سال ۹۷ که طبقه حاکم زخم

## به کمک سیل زده گان بشتابیم

سیزده روز از آغاز سیل ویرانگر در ایران میگذرد. سیلی که تا کنون جان بیش از ۶۰ نفر از مردم را گرفته؛ تعدادی ناپدید شده‌اند و هزاران خانواده را بی‌خانمان و از هستی و دارایی ساقط کرده است. سیل احشام، گاو و گوسفند و مرغ و طیور بیشماری را در کام خود فرو برد. صدها هزار هکتار اراضی کشاورزی و باغات و کشت صیفی و سبزی روستائیان و کشاورزان محروم را ویران و در گل و لای فرو برد. به زیر ساختها، جاده‌ها و تاسیسات آب، برق، گاز و کارگاه و کارخانه‌هایی که در مسیر سیل بودند آسیب فراوانی وارد شد. امروز به درستی زندگی هزاران هزار از مردم سیل زده روی هوا است. ابعاد و خسارات ویرانی سیل چنان زیاد است که هرگز قابل برآورد نخواهد بود. رژیم رویه اضمحلال و مفلس سرمایه داری جمهوری اسلامی مثل همیشه و پیشاپیش به دروغ متوصل شده، در حالیکه سیل همچنان در جریان است و مردم را تهدید میکند، بی‌شرمانه صحبت از برآورد خسارات و جبران آن می‌کند! اِلمانه ای می‌گوید که خسارات باید جبران شود و می‌شود! رژیم می‌گوید که از عهده مطالبات کارگران و زحمتکشان در مانده است و مردم مالباخته در شهرها و در خیابان‌ها شعار می‌دهند "دولت ورشکسته رو پول ما نشسته" و عده سر خرمن می‌دهد.

جمهوری اسلامی و سیل ویرانگر دست در دست هم جان و هستی مردم را مورد حمله قرار می‌دهند. طی این چند دهه جمهوری اسلامی در اجرای سیاست ضد انقلابی و ضد انسانی سرمایه داری جهانی چیزی کم نگذاشت، از کوه خواری، جنگل خواری، دره و شوره زار خواری و تخریب بی‌رویه و غارتگرانه طبیعت و محیط زیست بگیر تا اعدام، زندان و متواری و آواره کردن فعالان محیط زیست در کشورهای دیگر هیچ ابائی نداشته است.

سیل همچنان تا امروز از گلستان و آق‌قلا در شمال تا خوزستان و سوسنگرد در جنوب، شهرها و روستاها را در محاصره خود دارد. مردم جان بدر برده خانه و کاشانه خود را رها کرده و در کنجی بدون داشتن هیچ امکان زیستی سرگردان و آواره هستند. اگر نوع دوستی و یاری کردن مردم نسبت به همدیگر نبود تلفات جانی و خسارات مالی افزون بر این بود. رژیم رو به زوال جمهوری اسلامی وظیفه خود را در دادن اطلاعاتی خشک و خالی خلاصه کرد. این توده‌های مردم و نیروهای فعال اجتماعی هستند که باید با احساس همدردی مشترک به هم نوعان مصیبت زده خود که گرفتار سیل اند یاری رسانند و در عمل نشان بدهند که صف مردم از رژیم ضد مردمی اسلامی جداست.

ما توده‌های مردم و کلیه نیروهای مردمی و فعالان اجتماعی اعم از فعالان کارگری، فعالان دانشجویی، زنان و فعالان محیط زیست را فرا میخوانیم به حمایت از مردم سیل زده و زخم خورده از رژیم برخیزند، در یک مشارکت و سعی عمومی و آگاهانه است که می‌توانیم بار مشکلات مردم سیل زده را کاهش دهیم و در مسیر سرنگونی رژیم حاکم، به حرکت‌های اجتماعی علیه آن شتاب بدهیم.

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد حکومت شورائی**  
**فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در ایران**  
 ۹۸/۱/۱۴  
**کار، نان، آزادی، حکومت شورائی**

شکنجه دیگر اثر ندارد" پاسخ کارگران و عموم مردم به این نمایش مسخره و طرح از پیش سوخته وزارت اطلاعات بود. روند رو به رشد جنبش طبقه کارگر را با این ترفندها نمی‌شد متوقف کرد یا آن را حتی به سطح ما قبل طرح شورا و آلترناتیو شورایی برگرداند.

جنبش کارگری در سال ۹۷ رشد و اعتلاء نوبنی یافت. جنبش طبقه کارگر یگانه جنبشی بود که تمام نظم موجود را به چالش کشید و یک آلترناتیو شورایی و کارگری در برابر آن نهاد. به جرات می‌توان گفت که جنبش کارگری در سال ۹۷ به اندازه ۱۰ سال و بیشتر از ۱۰ سال پیشرفت نمود، تجارب فراوانی بدست آورد و با پیشینه‌ای پر دستاورد و قابل افتخار، به سال ۹۸ گام نهاد است.

بزرگی از کارگران هفت‌تپه و اسماعیل بخشی برداشته بود، با هدف تخریب روحیه، ترور شخصیت و هتک حرمت بازداشت شدگان شکنجه شده، بویژه اسماعیل بخشی عضو شورای مستقل کارگران هفت‌تپه، به "مستندسازی" و سناریو پردازی روی آورد و به اعتراف‌گیری‌های اجباری و بی‌ارزش در زیر شکنجه متوسل شد. طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن بر این خیال باطل بود که با پرونده سازی و بهتان و افترا و اعتراف‌گیری‌های اجباری در زیر شکنجه می‌تواند کارگران، بویژه کارگرانی که پرچم شوراها را برافراشته و بدیل حاکمیت کنونی را ارائه داده بودند مرعوب و از میدان بدر کند. اما این ترفند به ضد خود تبدیل شد و شعار "مستند،

**زنده باد سوسیالیسم**

## ادعاهای قلبی خامنه‌ای

اسلام است". واکنش خامنه‌ای در مقابل موضوع دشمن‌تراشی جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان و بیان اینکه "دشمنی با جمهوری اسلامی، دشمنی با اسلام است"، اصلی‌ترین محور سخنان او در این دیدار بود. اینکه چرا خامنه‌ای اکنون با این حدت و شدت به بیان اینگونه ادعاهای دروغین و قلبی روی آورده است، ناشی از وضعیت بحران‌های متعدد داخلی و شرایط شکننده‌ای که جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی با آن مواجه است، می‌باشد. بحران‌های داخلی و خارجی که در این دوره به صورت جدی بر گلوی طبقه حاکم چنگ انداخته‌اند. اولین ادعای قلبی رهبر جمهوری اسلامی این بود: "آن کسی که امروز با جمهوری اسلامی دشمن است، مثل همان کسی است که در صدر اسلام با بعثت پیامبر دشمن بود. بعضی می‌گویند دشمن‌تراشی نکنید؛ نه ما دشمن‌تراشی نمی‌کنیم، حرف اسلام را می‌گوییم، به‌خاطر همین، دشمنی ایجاد می‌شود. آمریکا از شما می‌خواهد از اسلام دست بردارد. نوکرهای آمریکا مثل آل سعود هم همین را می‌خواهند".

طرح این ادعای خامنه‌ای در واقع واکنش به مواضع جناحی از درون هیأت حاکمه است که بر سر موضع "تعامل" با آمریکا و کشورهای منطقه تاکید دارند. نمونه اش سخنان گاه و بیگاه حسن روحانی است. به مثل، او چندی پیش در جلسه مدیران دولتی گفته بود: "ما دشمن و بدخواه داریم... باید به فکر آن باشیم اما نباید خیلی فکر خود را به آن مشغول کنیم". ظاهراً طرح اینگونه بحث‌ها به مذاق خامنه‌ای خوش نیامده و او در این دیدار فرصت را غنیمت شمرده تا موقداً بر مقابله با "دشمن" خارجی تاکید کند. جمهوری اسلامی چهار سال است که با اتکاء به همین سیاست مقابله با "دشمن" خارجی و تکرار اینکه "دشمنی با جمهوری اسلامی، دشمنی با اسلام" است، هرگونه انتقاد و ابراز مخالفت با هیأت حاکمه را به شدت سرکوب کرده است. اینگونه ادعاها و دغل‌بازی‌های خامنه‌ای که صد البته خمینی‌استاد این کار بود، اگر در همان سال‌های اولیه انقلاب بر بستر توهم توده‌ها و عدم شناخت آنان از ماهیت جمهوری اسلامی می‌توانست مردم را فریب دهد، اکنون پس از گذشت چهار دهه که عموم توده‌های مردم ایران، پی به ماهیت ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی برده‌اند، دیگر کمترین جایی در ذهنیت توده‌های مردم ایران ندارد. آنچه اکنون در ذهنیت جامعه و عموم مردم ایران ریشه دوانده

است، چیزی جز اعمال اختناق و سرکوب در جامعه نیست. تجربه عینی کارگران و زحمتکشان از عملکرد جمهوری اسلامی همانا زندان و کشتار، بیکاری و بی‌خانمانی، ویرانی، سرخوردگی‌های اجتماعی و فقر و فلاکت روز افزونی است که با آن روبه‌رو بوده‌اند؛ حاصل چهل ساله حاکمیت ننگین این نظام، همانا اختلاس، دزدی، غارت و بریاد رفتن سرمایه‌های عظیم مملکت بوده است که توده‌های مردم ایران به چشم دیده‌اند. گسترش دامنه‌دار رکود، تورم و هرچه بیشتر خالی شدن سفره زحمتکشان و مزدبگیران طی سال‌های متمادی بوده است، وضعیتی که جامعه و زندگی مردم را به تبااهی کشانده است.

حال در چنین وضعیتی تیره و تار و سرنوشتی دردناک که از قیل جمهوری اسلامی بر جامعه و زندگی توده‌های مردم ایران آوار شده است، بیان اینگونه لاطانات خامنه‌ای چیزی بیش از یک گزافه نیست. این را ما نمی‌گوییم؛ این را جوانان بیکار، توده‌های معترض، مالباختگان، کشاورزان، معلمان، رانندگان کامیون و توده‌های کارگر ایران در اعتراضات خود به صد زبان تکرار کرده‌اند؛ آنان در اعتراضات وسیع دیماه ۹۶ و از آن زمان تا به امروز در اغلب تجمعات اعتراضی، اعتصابات و راهپیمایی‌های خود با سر دادن شعار "اسلامو پله کردین، مردمو ذله کردین"، یا "سوریه را رها کن، فکری بحال ما کن" خشم و انزجار خود را از نظام اسلامی و پیشبرد سیاست توسعه‌طلبانه آن فریاد کرده‌اند. آنان با بیان اینگونه شعارها آشکارا نشان داده‌اند که دوران طرح اینگونه ادعاهای قلبی دیگر به سر آمده است. کارگران و عموم توده‌های زحمتکش ایران اکنون به این حقیقت روشن رسیده‌اند که آنچه طی این چهل سال بر سرشان آمده است، تماماً نتیجه بلافصل همین حاکمیت دینی و اسلامی بوده است. حاکمیتی ارتجاعی که با ادغام آشکار دین و دولت و تسری دادن قوانین شریعت اسلامی بر تمام شئون زندگی خصوصی، اجتماعی و سیاسی آنان، کل جامعه و کشور را به ویرانی و تبااهی کشانده است.

خامنه‌ای اکنون خود بیش از همه بر این امر واقف است که اگر در دهه ۶۰ اسلام خواهی جمهوری اسلامی بستری برای تحمیق توده‌ها بود، اکنون اما این امر به پاشنه آشیل حکومت اسلامی تبدیل شده است. با گذشت چهل سال و فرو ریختن توهم توده‌ها از نظام اسلامی، اکنون به هر نسبتی که توده‌های مردم ایران از جمهوری اسلامی

گریزان و منتفر هستند، به همان اندازه نسبت به اسلام و موازین شریعت نیز واخورده شده‌اند. چرا که آنان عملکرد نظام حاکم بر ایران را برخاسته از اسلام و دستورالعمل‌های شریعت اسلامی می‌دانند. علاوه بر این توده‌های مردم ایران به عینه شاهد هستند که اینگونه ادعاهای قلبی فقط توسط خامنه‌ای و جمهوری اسلامی تکرار نمی‌شوند. همه حکومت‌های مرتجع اسلامی همین ادعاهای دروغین خامنه‌ای را روز و شب در بلندگوهای تبلیغاتی خود تکرار کرده و می‌کنند. نمونه اش "طالبان و القاعده" است.

رهبران "طالبان" و "القاعده" نیز بر بستر همین ادعاهای اسلامی و اینکه نماینده الله در زمین هستند، تمام جنایات خود را پیش برده و هرگونه مخالفت با نحلّه‌های اسلامی خود را مخالفت با اسلام بیان کرده‌اند. همان "طالبان" و "القاعده" ای که رهبران آن‌ها تا سال‌ها در ایران جا خوش کردند و هم‌اکنون نیز جمهوری اسلامی با رهبران آن‌ها حشر و نشر دارد. همان "طالبانی" که این روزها هیأت سیاسی آن در آمد و رفت به جمهوری اسلامی است و هیأت حاکمه ایران خواهان حضور آنان در مذاکرات "صلح" افغانستان و به طریق اولی خواهان شرکت آنان در حکومت اسلامی افغانستان است. نمونه دیگر، حکومت اسلامی "داعش" است. حکومت خود خوانده ای که رهبران آن نیز خود را خلیفه الله می‌دانند و با همین توجیه‌گری اسلامی از نوع خامنه‌ای و به تبعیت از آیات قرآنی و دستورات پیامبر اسلام، خبرنگاران را سر بریدند، مردم بی‌دفاع عراق و سوریه را قتل عام کردند، به زنان و دختران جوان، تحت پوشش "زنان حربی" تجاوز کردند، ایزدی‌ها را کشتار و در گورهای دسته جمعی خاک کردند. عربستان سعودی نمونه دیگری از همین اسلام خواهی خامنه‌ای است. حاکمیتی واپسگرا و مرتجع با ادعاهایی به مراتب قلبی‌تر از خامنه‌ای و هیأت حاکمه ایران. حاکمیتی پادشاهی که خود را پاسدار کعبه مسلمین می‌داند و حکومت ظالمانه خود را با اتکاء به موازین صدر اسلام، تعریف می‌کند و همانند رهبر جمهوری اسلامی ادعای رهبری جهان اسلام را یدک می‌کشد. تقسیم بندی خامنه‌ای به "اسلام آمریکایی" و اسلام "ناب محمدی" هم هیچ کمکی به او و خیالپردازی‌هایش نخواهد کرد. همه این حکومت‌های مرتجع اسلامی و نحلّه‌های فکری از یک آبشخور به نام اسلام محمدی ارتزاق می‌کنند.

اینکه خامنه‌ای در تمام سخنرانی‌ها و پامنبوری‌هایش و به‌طور اخص در سخنان اخیرش با تکیه بر اینکه "دشمنی با جمهوری اسلامی، دشمنی با اسلام است"،

## ادعاهای قلبی خامنه‌ای

سعی دارد تشنج‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه و جهان را توجیه کند، به نیازمندی های هیات حاکمه ایران برای تحت الشعاع قراردادن بحران های متعدد داخلی بر می گردد. پوشیده نیست که اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه پیشبرد سیاست پان اسلامپستی و توسعه طلبانه طبقه حاکم در منطقه و جهان پایه ریزی شده است. سیاستی که تحت عنوان مقابله با "دشمن خارجی" تبیین و تئوریزه شده است. در این میان اما مخالفت آمریکا با جمهوری اسلامی، آنگونه که خامنه‌ای ادعا می کند هرگز بر مبنای دشمنی دولت آمریکا با اسلام و اسلام خواهی جمهوری اسلامی نیست. دولت آمریکا خود بیش از جمهوری اسلامی مروج دین و مذهب در میان توده های این منطقه است. چرا که از دیدگاه دولت آمریکا و دول سرمایه داری اروپایی، تمامی ادیان و به طور اخص اسلام یکی از ابزارهای مهم سرمایه جهانی برای مقابله با طبقه کارگر، نیروهای چپ و کمونیست در جای جای جهان است. در شرایط کنونی، تبلیغ دین و رواج باورهای اسلامی در منطقه، کلیدی ترین سیاست دول سرمایه داری برای تحمیل توده های منطقه است. در وضعیت بحرانی منطقه برای آمریکا و دول اروپایی، جمهوری اسلامی ایران در صورتی که اندکی از سیاست پان اسلامپستی و توسعه طلبانه خود دست بردارد، بدون هیچ ششبه ای مطلوب ترین نظام سیاسی خاورمیانه در پاسداری از نظم موجود سرمایه داری حاکم است. از این نظر ادعای خامنه‌ای تحت عنوان اینکه دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی، "دشمنی با اسلام است" یک ادعای کاملا دروغین و یک ادعای قلبی است.

اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که ادعای خامنه‌ای تحت عنوان مقابله با "دشمن" خارجی، کلید واژه او در مواجهه با انبوه معضلات و بحران های داخلی حاکم بر نظام و جامعه است. خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی با اختیارات تام و تمامی که دارد، هیچ یک از تصمیم های کلان نظام بدون نظر او عملی نخواهد شد. ابلاغ و پیشبرد سیاست های کلیدی نظام در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می بایست نعل به نعل با نظر و رای او مطابقت داشته باشند. ناگفته نماند که این قدرت نمایی و اختیارات بلامنازع او در دهه های گذشته تحت عنوان ولایت مطلقه فقیه حتی به دخالت در موضوعات بسیار فرعی هم تسری یافته است. در چنین وضعیتی خامنه‌ای بهتر از هر کسی می داند که تمام

عملکرد ارتجاعی و سرکوبگرانه هیات حاکمه پیش از آنکه به حساب بی تدبیری و فساد حاکم بر کل ارگان های نظام گذاشته شود، در درجه اول به حساب بی کفایتی رهبری جمهوری اسلامی و فساد نهادینه شده در ارگان های منصوب به رهبری نوشته شده است.

از این رو خامنه‌ای خوب می داند که اگر از کلید واژه "دشمن" و مقابله با "دشمن خارجی" دست بشوید، دیگر در هیچ دیدار و مراسمی حرفی برای گفتن نخواهد داشت. چرا که به هرکجای این مملکت که بخواهد دست بگذارد، بجز شرمساری، حقارت و بی لیاقتی چیز دیگری نصیب اش نخواهد شد. البته اگر شرمی در وجودش باشد، که صد البته آن را هم ندارد. در مورد وضعیت وخامت بار نظام آموزشی کشور او چه ادعایی می تواند داشته باشد که خود مضحکه عام و خاص نشود؟ فرسودگی هزاران مدرسه، مدارس کپری بدون امکانات گرمایشی، سطح نازل آموزش و پرورش، خصوصی سازی مدارس و بی حقوقی معلمان همراه با اعتصابات سراسری و اعتراضات مداوم معلمان خود گویای وضعیت اسفبار آموزش و پرورش کشور است. وضعیت زنان، سرکوب و بی حقوقی محض آنان که دیگر جای هیچ توضیحی ندارد. در مورد زنان و حقوق پایمال شده آنان، خامنه‌ای چه حرفی برای گفتن دارد؟ جز اینکه همان لاطائلات همیشگی خود را تکرار کند و بگوید که "اسلام" و جمهوری اسلامی برای زنان "ارزش والایی" قائل است. با بیان اینگونه دروغ بافی ها و ادعاهای کذابی هم که کمترین تغییری در

وضعیت وخامت بار زندگی خصوصی و اجتماعی زنان روی نخواهد داد. رهبر جمهوری اسلامی، در مورد وضعیت رفاهی و اجتماعی عموم توده ها فقر زده مردم ایران، از شرایط بهداشتی و درمانی آنان، چه حرفی برای گفتن دارد؟ برای بیکاری و یاس و ناامیدی حاکم بر جوانان و صدها هزار نیروی تحصیل کرده دانشگاهی چه پاسخی دارد؟ در پاسخگویی به مطالبات اقلیت های دینی و ملیت های تحت ستم ایران چه می تواند بگوید؟ وضعیت معیشتی کارگران چه؟ به میلیون ها کارگری که با یک دستمزد ماهیانه بخور و نمیر شرمنده خانواده های خود هستند، او چه حرفی برای گفتن و شعار دادن دارد که با خشم و تمسخر کارگران مواجه نشود.

در شرایط موجود و وضعیتی که جامعه را فرا گرفته است. بر هر گوشه این مملکت که انگشت گذاشته شود، بوی گنداب دزدی، فساد و چپاول سرمایه های کارگران و زحمتکشان ایران توسط طبقه حاکم به مشام می رسد. پوشیده نیست که مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم وضعیت موجود نیز، پیش از هر کس و هر ارگانی به صورت تام و تمام بر دوش شخص رهبری جمهوری اسلامی سنگینی می کند. لذا، در چنین وضعیتی که تمام سیاست های طبقه حاکم با شکست مواجه شده است و جمهوری اسلامی با یکی از بحرانی ترین دوران حیات سیاسی خود در عرصه داخلی و بین المللی مواجه است، خامنه‌ای برای برون رفت و عدم پاسخگویی به مطالبات سرکوب شده کارگران و عموم توده های مردم ایران چاره کار را در این می داند که مدام به ادعاهای قلبی خود در مورد مقابله با "دشمن خارجی" و اینکه "دشمنی با جمهوری اسلامی، دشمنی با اسلام است"، چنگ آویزد.



### زنده باد سوسیالیسم!

#### کارگران و زحمتکشان!

سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیستی و کارگری ست که برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک نظام کمونیستی، متشکل از انسانهای آزاد و برابر، از طریق یک انقلاب اجتماعی مبارزه میکند. به صفوف سازمان فدائیان (اقلیت) بپیوندید.

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی



## کمک های مالی

### سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (آوریل)

### سوئد

۲۰۰ کرون	زنده باد آزادی و سوسیالیسم
----------	----------------------------

### هلند

۳۰۰ یورو	صمد
----------	-----

### آلمان

۵۰ یورو	برقرار باد حکومت شورایی
---------	-------------------------

## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست جبران خسارات، حق سیلزدگان است

نخستین روزهای سال جدید در بسیاری از استانهای ایران با جاری شدن سیلابهایی ویرانگر همراه شد. سیلابهایی که تاکنون دست کم جان دهها نفر را گرفته و دهها هزار نفر از ساکنان محرومترین مناطق ایران را آواره و بیخانمان کرده است.

اگر بروز سیلاب، حادثهای طبیعی به شمار می‌رود، اما می‌توان با اقدامات پیشگیرانه از ویرانگری آن کاست. تدابیری که در ایران نه تنها اتخاذ نشده، بلکه طی چهار دهه، سران و مسئولان جمهوری اسلامی ایران، با سوءمدیریت منابع آبی، با نابودی جنگل‌ها، با از بین بردن پوشش گیاهی، با مسدود ساختن مسیل‌ها و تبدیل آن‌ها به خیابان و بلوار، با سدسازیهای بی‌رویه و غیر کارشناسانه با عدم رعایت حریم رودخانه‌ها، با عدم اتخاذ تدابیر لازم در حفظ و ساختن سیل‌بندها و مسیل‌ها و بسیاری اقدامات مخرب محیط زیستی دیگر، بر ابعاد خسارات مالی و جانی ناشی از این سیل افزوده‌اند.

با بروز سیل، می‌توان و باید به فوریت اقدامات لازم برای کاهش دامنه خسارات و حفظ جان و مال مردم را اتخاذ کرد. اما در جریان سیل اخیر، رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، نه تنها امکانات لازم را در اختیار مردم نگذاشت، بلکه با اقدامات غیرمسئولانه و بی‌تدبیرانه خود در برخی نقاط بر وخامت وضعیت افزود. نه تنها نیروهای امداد و امکانات لازم را در اختیار مردم نگذاشت، بلکه آن‌ها را به حال خود رها کرد تا به تنهایی و با امکاناتی ابتدایی و ناچیز بکوشند تا از خانه و کاشانه‌شان در برابر تندآب‌ها حفاظت کنند.

اما سیلاب اخیر ره‌آورد دیگری هم داشت. نمایش مجدد و تحکیم همبستگی شکوهمند توده‌های مردم با یکدیگر. مردمی که همدوش یکدیگر تلاش می‌کردند تا از خیابان و محله و شهر و روستای خود محافظت کنند، کارگران و معلمان و دانشجویانی که بلادرنگ به مدد آنان شتافتند، کمک‌های مردمی را جمع‌آوری و ارسال کردند و دارایی ناچیز خود را با آنان قسمت کردند.

در برابر این همبستگی عظیم مردمی، تنها اقدام سران رژیم، آن هم هراسان از خشم مردم، دادن وعده‌های سرخرمندی بود که دیگر نزد مردم اعتباری ندارند. چرا که بارها سرنوشت این وعده‌های پوچ را شاهد بوده‌اند، همچون زلزله‌زدگان کرمانشاه که با گذشت نزدیک به دو سال، هنوز در چادر و کانکس‌هایی زندگی می‌کردند که آن‌ها نیز دستخوش سیل شدند.

به یقین، سیل که فرو نشیند، مردمی بر جای خواهند ماند در انوده عزیزان جان‌باخته یا مصدوم؛ ند، کارگرانی که بیکار شده‌اند و روستاییانی که مزارع و محصولات و دام‌های‌شان نابود شده است. مردمی با خانه و کاشانه‌های ویران و هستی بر بادرفته در میان تندآب‌ها و گل و لای. به یقین این بار هم، رژیم مردم سیل‌زده را به حال خود رها خواهد کرد.

اما، سیل که فرو نشیند، مردمی بر جای خواهند ماند خشمگین. مردمی که همین امروز نیز خشمگین‌اند. خشمگین از ستمی که بر آن‌ها رفته است، از عاملان اصلی این ستم، یعنی از سران جمهوری اسلامی که حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان را در خدمت سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی خود به جیب اسلام‌گرایان منطقه سرازیر می‌کنند، به حلقوم نهادهای مذهبی می‌ریزند، با دزدی و رشوه و غارت به جیب خود می‌ریزند و برای پروار کردن سپاه و پلیس و مأموران امنیتی - اطلاعاتی رسمی و غیر رسمی هزینه می‌کنند تا همین مردم محروم را سرکوب کنند.

ثروتی که متعلق به توده مردم این سرزمین است و نه جنایتکاران و دزدان حاکم. پس، حق سیل‌زدگان است که دولت به فوریت زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی را بازسازی کند، تدابیر لازم برای ایمن‌سازی مناطق در مخاطره در برابر حوادثی چون سیل و زلزله را اتخاذ کند. حق آنان است که از خدمات رایگان بهداشتی و درمانی برخوردار شوند، خسارات‌شان جبران شود و خانه و کاشانه‌شان بازسازی شود، و مستمری کافی برای امرار معاش دریافت کنند، چرا که با توجه به دامنه خسارات، امکان تأمین معیشت تا مدت‌ها برای این مردم وجود ندارد.

این حق سیل‌زدگان است که دولت تمام این خدمات را به رایگان در اختیارشان قرار دهد و نه به صورت وام‌های حقیری که امروزه وعده می‌دهند. وعده‌هایی توخالی که چندی دیگر به دست فراموشی سپرده خواهند شد.

برای کسب این حق باید مبارزه شود، زیرا بدون اعتراض و مبارزه، چنان که تجربه مردم نشان داده است، جمهوری اسلامی اقدامی برای جبران خسارات سیل‌زدگان نخواهد کرد.

ما احزاب و سازمان‌های کمونیست و انقلابی، ضمن ابراز همدردی و همبستگی با قربانیان سیل، کارگران و زحمتکشان را به دفاع و حمایت از حق سیل‌زدگان فرامی‌خوانیم.

## سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۴ فروردین ۱۳۹۸

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری -  
حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت



پیش به سوی  
تشکیل حزب  
طبقه کارگر



## "طلاق صوری"، یک انتخاب یا اجبار

مستمری دختران بازماندگان آن است که "فقد شغل و شوهر" باشند.

این ادعا در حالی است که بر طبق گزارش سازمان تأمین اجتماعی نزدیک به ۶ میلیون نفر مستمری‌بگیر اصلی و تبعی این سازمان هستند. از این تعداد نزدیک به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مستمری‌بگیر اصلی هستند و اندکی بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در ردیف بازماندگان مستمری‌بگیر قرار دارند.

نرخ واقعی تورم (و نه آمار رسمی دولتی)، به ویژه تورم سرسام‌آور در سال گذشته و عدم افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگان در سال‌های اخیر متناسب با نرخ واقعی تورم، وضعیت معیشت بازنشستگان را چنان حاد کرده که آنان را بارها به اعتراض و تجمع در خیابان‌ها و در برابر مراکز دولتی واداشته است و نه تنها در سال گذشته بلکه در سالیان پیش از آن نیز. حال با توجه به این که طبق همین قانون، سهم هر فرزند واجد شرایط برای دریافت مستمری بازماندگان که تنها ۲۵ درصد مستمری استحقاقی است، می‌توان پی برد که سخن از چه مبلغ ناچیزی است.

اکنون مسئولین تأمین اجتماعی مدعی‌اند، پرداخت مبلغی ناچیز، آن هم به درصدی از بازماندگان مستمری‌بگیر، "معضلی" بزرگ برای این سازمان پدید آورده است. سازمانی که سال‌هاست پرونده‌های متعددی از فساد و اختلاس‌های چند میلیاردی در آن افشا می‌شود. سازمانی که سران رژیم و حتی خود دولت برای چاپیدن و حیف و میل اموال و ثروت‌های آن که در اساس متعلق به کارگران است، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند.

گرچه هیچ یک از این واقعیت‌ها مانع از آن نمی‌شود که این مقام حکومتی، این زنان را "فرصت‌طلبانی" بخواند که "چشم به درآمدهای حرام دوخته‌اند". گویا زدی و اختلاس‌های چند میلیاردی "حرام" نیستند، اما زنانی از سر استیصال و فقر، تن به "طلاق صوری" می‌دهند تا سهمی از حاصل دسترنج پدران و مادران خود را به کف آرند و نانی به سفره محقرشان بیفزایند، "فرصت‌طلبانی" هستند که "چشم به درآمدهای حرام" دوخته‌اند و به گفته وی "سازمان تأمین اجتماعی را در مرز نابودی" قرار داده‌اند. زهی بی‌شرمی.

اگر در سالیان پیش نیز اخباری درباره "طلاق‌های صوری" در رسانه‌های منتشر می‌شد، بسیار اندک و جسته و گریخته بودند. اکنون نیز که این موضوع به "معضل بزرگ" سازمان تأمین اجتماعی بدل گشته و آن را "در مرز نابودی" قرار داده است، آمارهای درباره تعداد، گروه سنی و وضعیت معیشتی این زنان داده نشده است، ظاهراً به بهانه "مانعت از شیوع این پدیده" اما واقعیت آن است که انتشار آمار نشان خواهد داد که این مستمری‌های ناچیز نیست که سازمان تأمین اجتماعی را به "مرز نابودی" کشانده، بلکه دست غارتگری دیگر در کار است.

در رواج پدیده "طلاق‌های صوری" به دلایل

دیگری نیز اشاره می‌شود، همچون دریافت سکه از ستاد دبه و معافیت فرزند از سربازی. اما شرایط کفالت چنان سخت‌گیرانه و برخورداری از کمک‌های ستاد دبه چنان دشوار و اندک است که عواملی فرعی به شمار می‌روند. آنچه باقی می‌ماند همان نیاز معیشتی و فقر زوجهایی است که دست به چنین کاری می‌زنند. زوج‌هایی که به اعتراف مقامات حکومتی، عمدتاً "در شهرستان‌های کوچک و روستاها" هستند، یعنی در مناطقی که ارتباط تنگاتنگتری بین خانواده و بستگان و همسایگان وجود دارد و همه از حال یکدیگر کم و بیش باخبرند؛ نه در شهرهای بزرگ و درگمنامی.

یکی دیگر از نگرانی‌های مقامات جمهوری اسلامی از رواج پدیده "طلاق‌های صوری"، به جز "تابودی" سازمان تأمین اجتماعی، "بالا بردن آمار طلاق" و "فروپاشی نهاد خانواده" است. این نیز چرندیاتی دیگر است. در بهمن ۹۷، رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق اعلام کرد آمار طلاق در سال ۹۱ ساعتی ۱۶ طلاق بوده است که در سال ۹۶ به ساعتی ۲۱ طلاق رسید. مسلماً اگر همه یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مستمری‌بگیر بازمانده هم "طلاق صوری" گرفته باشند، نمی‌توانند ۵ طلاق در ساعت به آمار در فاصله ۵ ساله بیفزایند! پس علت طلاق‌ها را باید در عواملی دیگر جست. در کنار عوامل دیگر، حتی به اعتراف برخی کارشناسان رژیم، عامل اصلی طلاق‌ها، وضعیت اقتصادی و فقر و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از آن است.

عواملی که به فروپاشی نهادی انجامیده که از نظر سران جمهوری اسلامی "مقدس" و "بنیان جامعه اسلامی" به شمار می‌رود، هر چند هیچ یک بدان اقرار نمی‌کنند. خامنه‌ای در ۷ اسفند ۹۷، در جمع مداحان از نشانه‌های فروپاشی خانواده در ایران، یعنی "ازدواج‌های دیرنگام و سخت" فرزندآوری کم" و رواج "ازدواج‌های سفید" سخن گفت. وی به روش همیشگی، که در تمامی شکست‌های رژیم و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رد پای "توطئه‌های دشمنان" را می‌بیند، در این سخنرانی نیز مدعی شد سرمایه‌داری جهانی و اسرائیل تصمیم به نابودی بنیان خانواده در جهان از جمله در ایران گرفته‌اند. این سخنرانی و ابراز نگرانی‌های متعدد سایر مقامات و مسئولین رژیم از "بحران"، "زوال" و "فروپاشی"ی "نهاد خانواده"، نشانه‌ایست بارز از شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌ای که چهار دهه است در رواج آن کوشا هستند.

"نهادی" که زن را در مرکز قرار می‌دهند و بار تمام مسئولیت‌هایش را بر شانه‌هایش می‌گذارند. سران جمهوری اسلامی از همان ابتدا نه تنها هیچ‌گاه دیدگاه خود نسبت به زن و جایگاه او در اجتماع را پنهان نکردند و در هر فرصتی بر نقش "همسری و مادری" زن تأکید کردند، بلکه برای راندن زنان از عرصه‌های عمومی به پستوی خانه‌ها، فرمان‌ها و احکام، قوانین و آیین‌نامه‌هایی چندان زیاد و گوناگون صادر کردند

و به تصویب رساندند که برشردن تمامی آن‌ها مثنوی هفتاد من خواهد شد. هر گاه نیز که بر اثر مقاومت زنان در برابر احکام زن‌سنج‌ان‌شان ناچار به تسلیم در برابر واقعیت‌های جامعه شدند، کوشیدند آن را با نقش سنتی زن آشتی دهند. اگر زنان بنا به نیازهای اقتصادی و آگاهی بر ضرورت حضور در اجتماع در برابر رانده شدن از بازار کار مقاومت کردند، کوشیدند آن را با طرح‌هایی چون کار نیمه وقت، دورکاری، بازنشستگی زودتر از موعد و طرح‌های دیگر محدود سازند. در محیط‌های کار آنان را بی هیچ‌گونه حمایتی تحت شدیدترین استثمار و آزارهای جنسی و روانی به حال خود رها کردند. اگر زنان به تحصیل روی آوردند، حق تحصیل در برخی رشته‌ها را از آنان دریغ کردند، شرایط تحصیل را سخت. بدون پذیرش مسئولیت، در عین گسترش فقر، از زنان خواستند به فرزندداری و فرزندزایی مشغول شوند. در رسانه‌های دولتی و تریبون‌های نماز جمعه و مساجد و مصاحبه‌ها و کتاب‌های درسی زنان را به "جنس فرودست" تقلیل دادند. آنان را از دستیابی به بسیاری از پست‌های بالای مدیریتی و سیاسی محروم کردند. خشونت علیه زنان را سیستماتیک کردند و خشونت عریان دولتی را به انواع خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی افزودند. خیابان‌ها و اماکن عمومی را به بهانه مبارزه با "بدحجابی" به اماکن ارباب و ضرب و شتم زنان بدل کردند. و بسی دیگر از خشونت‌های جسمی و روانی و کلامی که دامنه و عمق آن‌ها در قرن بیستم و بیست و یکم در کشورهای دیگر تصورناپذیرند. اکنون با اعتراف به "معضل طلاق صوری"، معیاری دیگر از عمق ستم و جنایتی در معرض دیدگان گذاشته‌اند که این رژیم در حق توده مردم ایران و به ویژه زنان روا داشته است.

افزایش مداوم آمار طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، ازدواج‌های سفید، و اکنون "طلاق صوری" نشان از شکست سخت جمهوری اسلامی در یکی دیگر از زمینه‌هایی است که در چهار دهه اخیر با جدیت پیگیری کرده است؛ یعنی تلاش برای رواج ایده‌های اسلامی و زن‌سنج‌انه خود در عرصه "نهاد خانواده". گسترش این پدیده‌ها نشان می‌دهد زنان و مردان بی‌اعتنا به "فداس" نهاد خانواده برای کسب درآمدی اندک به گفته‌ی یکی از مسئولان رژیم به "حرام‌ترین حلال" روی می‌آورند.

عضو هیئت مدیره کانون حکومتی کارگران بازنشسته نیز راه حل دیگری ندارد جز راه حل‌های پلیسی. او خواستار "تعیین بازرسان ویژه برای طلاق‌های صوری" می‌شود. این بلاهت سران و مسئولان جمهوری اسلامی است که نمی‌دانند معضلات اجتماعی با راهکارهای پلیسی و بگرو ببند حل نمی‌شوند. روشن است که توسل به "طلاق صوری"، از سر ناگزیری در برابر شرایط سخت معیشتی است. شرایطی که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر سرنوشت خود است که می‌تواند تغییر کند، آنگاه است که مردم آگاهانه راه زندگی شخصی خود را برمی‌گزینند و نه از سر ناچار.

## سیل کنونی نه "برکت" که نشان بی‌لیاقتی حکومت دزدان و فاسدان است

ویرانی جنگل‌ها و محیط زیست باعث این حجم بزرگ از خرابی‌ها شده است. وزیر راه و شهرسازی یکی از همین مقامات حکومتی است که به عدم لایروبی رودخانه‌ها و ساخت‌وساز در مسیر مسیل‌ها اشاره کرده است. یک نمونه دیگر اما خط راه‌آهنی است که توسط همین وزارتخانه احداث شد و با ایجاد مانع برای رسیدن آب به دریای خزر باعث سرازیر شدن سیل به آق‌قلا شد. به‌طوری که در نهایت برای خروج آب مجبور به خراب کردن خط‌آهن در چند مسیر شدند.

مقامات حکومتی در حالی از عدم لایروبی رودخانه‌ها و ساخت‌وساز در مسیر مسیل‌ها سخن می‌گویند که گویی کس دیگری به غیر از مقامات حکومتی در این میان مسئول است. روحانی با وقاحت تمام در روز ۱۸ فروردین می‌گوید: "وقتی ما مسیل رودخانه‌ها را قطع می‌کنیم، سیل هم خانه ما را می‌برد". او با بی‌شرمی تمام فراموش می‌کند که بگوید این دولت است که مسیل رودخانه‌ها را قطع کرده و سیل خانه مردم را برده است. او نمی‌گوید که دولت سال‌ها به جای رسیدگی به محیط زیست از جمله لایروبی رودخانه‌ها، پول‌ها را در جیب نهادهای نظامی و مذهبی ریخته است. او نمی‌گوید که یکی از بزرگترین جنگل‌خواران گرگان، حوزه علمیه گرگان است. خامنه‌ای نیز در کنار روحانی همین خزعبلات را می‌گوید و از لزوم لایروبی رودخانه‌ها حرف می‌زند انگار نه این‌که خودشان مسئول این خرابی‌ها هستند و دولت است که باید لایروبی رودخانه‌ها را انجام می‌داد.

بسیاری از مردم دیده‌اند که چگونه سیل پل‌های بزرگی را که عمر برخی حتی به چند سال نمی‌رسید ویران کرد. یک نمونه پل "کاکارضا" است که در مسیر بین الشتر و نورآباد و خرم‌آباد بنا شده و تنها دو سال از عمر آن می‌گذشت اما با فروریختن پل مشخص شد که از خاک و آشغال و نخاله‌های مصالح ساختمانی برای پر کردن پایه‌های آن استفاده شده بود!!! این در حالی‌ست که پل‌هایی از این نوع با ۱۰۰ سال قدمت همچنان استوار مانده بودند!!!

در یک جمله فساد، عدم کارایی و بی‌توجهی دولت جمهوری اسلامی یک دلیل عمده در بروز



بسیاری از مردم روستاهای گرفتار در سیل، بویژه جوانان با طی چند کیلومتر در میان آب که گاه تا سینه آن‌ها بالا می‌آید، برای تهیه آذوقه و دیگر لوازم ضروری جان خود را به خطر می‌اندازند. به گفته "نماینده کوه‌دشت" به مردم این مناطق نیز تاکنون هیچ کمک دولتی نرسیده است.

خبرها از ترکمن‌صحرا نیز حاکی از آن است که با گذشت حدود ۲۰ روز از سیل، میزان آب در برخی از مناطق از جمله آق‌قلا و کومش‌تپه (گمیشان) در حال بالا آمدن است. مردم این مناطق نیز از هرگونه کمک دولتی محروم هستند. به گفته قرچه طیار "نماینده گنبد" در مجلس اسلامی دریچه سد "وشمگیر" به دلیل عدم لایروبی در سال‌های گذشته بسته شده، معضلی که یکی از دلایل ویرانگری سیل اخیر بوده و در روزهای آینده ممکن است خسارات بیشتری بیار آورد. به گفته فرماندار آق‌قلا، با افزایش حجم آب گرگان‌رود سطح آب در آق‌قلا ۳۰ سانتی‌متر افزایش یافته است.

این‌ها همه در حالی‌ست که با توجه به رهاسازی آب در سدهای استان خوزستان از جمله کرخه، و پیش‌بینی سازمان هواشناسی در مورد بارش باران بین ۱۰ تا ۲۵ میلی‌متر در برخی از استان‌های کشور در روزهای شنبه و یکشنبه، خطر سیل خوزستان را بیش از گذشته تهدید می‌کند. تاکنون حکومت دستور تخلیه کامل ۱۴ شهر و ۱۱۰ روستا را صادر کرده است. این در حالی‌ست که "نماینده اهواز" در مجلس اسلامی در گفتگو با خبرنگار ایلنا در روز شنبه ۱۷ فروردین از عدم توجه دولت در رساندن کمک به مردم سیل‌زده خبر داده است.

بروز فاجعه‌ای به این وسعت در حالی‌ست که براساس آمار وزارت نیرو، حجم بارندگی در سال جاری از اول مهر ۹۷ تا ۱۴ فروردین نسبت به سال گذشته که سالی کم باران بود ۱۸۷ درصد و نسبت به میانگین دوره‌های مشابه تنها ۵۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. اما میزان خسارات سیل به‌حدی وسیع بود که حتی مقامات حکومتی نیز مجبور به اعتراف شدند که عدم لایروبی، ساخت و ساز در مسیر مسیل‌ها،

بسیاری از مدارس در مناطق سیل‌زده ویران شده‌اند. در استان گلستان مدارس تا ۲۴ فروردین تعطیل اعلام شده است. در لرستان به گفته‌ی زینی‌وند مدیرکل آموزش و پرورش لرستان ۳۰۰ مدرسه آسیب دیده‌اند که برخی به طور کامل تخریب شده‌اند.

در برخی از شهرها از جمله اهواز و آق‌قلا آب فاضلاب در خیابان‌ها جاری شده است. اغلب زمین‌های کشاورزی و دام‌های کشاورزان مناطق سیل‌زده از بین رفته‌اند. تنها در خوزستان هزاران هکتار از نخلستان‌های غرب کارون زیر آب فرو رفته‌اند. تاکنون ۵۰۰۰ کارگر در استان گلستان کار خود را از دست داده و ۲۰۰ واحد تولیدی در شهرک صنعتی آق‌قلا تخریب شده‌اند. ۶۰ مرغداری نیز در این منطقه از بین رفته‌اند. به گفته‌ی وزیر راه و شهرسازی ۱۳ هزار کیلومتر از راه‌های کشور در بیش از ۸ هزار نقطه آسیب دیده‌اند و در ۵۰۰ نقطه ریزش و رانش کوه رخ داد.

وزیر ارتباطات نیز از انهدام کامل زیرساخت‌های ارتباطی پلختر و آسیب‌دیدن زیرساخت‌های ارتباطی در دیگر شهرهای لرستان خبر داد. معضل رانش و فرونشست زمین نیز یکی دیگر از مشکلات است که مناطق سیل‌زده با آن روبرو هستند. حتی دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی در مورد خطر فرونشست زمین در مناطق مرکزی و جنوبی تهران از جمله خیابان مولوی، حوالی بازار و جنوب تهران هشدار داد.

به گفته "نماینده خرم‌آباد" در مجلس اسلامی در گفتگو با خبرنگاری ایلنا به تاریخ ۱۷ فروردین، پس از گذشت هشت روز از سیل، مردم جایی برای خواب و ماندن ندارند و هنوز روستاهایی هستند که آب خانه‌هایشان را برده است و راه‌های ارتباطی‌شان قطع است. به گفته رئیس سازمان راه‌داری، راه‌های ارتباطی ۸۱۶ روستا در لرستان تخریب شد که با بازگشایی برخی از آن‌ها هنوز راه ارتباطی با ۲۷۵ روستا مسدود است. به‌گفته‌ی وی به دلیل وجود چشمه‌های آب در مسیرهای بازگشایی شده، زمین دچار ریزش و رانش شده و جاده دوباره مسدود می‌شود.



چنین سیلی است. سیلی که می‌توانست عواقب بسیار ناچیزی داشته باشد.

اما نکته مهم بعدی عدم رسیدگی به سیل‌زدگان است. در جریان سیل بیش از هر چیز این مردم بودند که به کمک یکدیگر برخاستند. این بی‌لیاقتی و عدم احساس مسئولیت دولت را ما در سال‌های گذشته و برای نمونه در جریان زلزله کرمانشاه، ورزقان و بم دیده بودیم. این بار اما این بی‌لیاقتی و ناکارایی حاکمیت به دلیل گستردگی مناطق سیل‌زده بیش از گذشته نمایان شد. به‌نحوی که قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس



## سیل کنونی نه "برکت" که نشان بی‌لیاقتی حکومت دزدان و فاسدان است

اسکان مردم ندارد. در خوزستان، دولت ۵۰ واگن قطار در اختیار سیل‌زدگان قرار داده است و این تنها یک نمونه از تراژدی تلخ و دردناک زندگی مردم سیل‌زده و کمک‌های دولتی است. به رغم گذشت ۲۰ روز از آغاز سیل به گفته شاهین فتاحی معاون عملیات سازمان امداد و نجات تنها ۸۶ هزار نفر در این مدت اسکان اضطراری یافته‌اند، این در حالی‌ست که صدها هزار نفر از مردم مناطق سیل‌زده هنوز بی‌سرپناه هستند و شب‌ها را در بیابان‌ها سر می‌کنند.

از سوی دیگر مردم هیچ اعتمادی به حاکمیت ندارند و به همین دلیل در منطقه خفاجیه (اطراف سوسنگرد) وقتی نیروهای سپاه اقدام به بازکردن سیل‌بندهایی کردند که مردم برای حفاظت از مزارعشان در برابر سیل درست کرده بودند، مردم با نیروهای سپاه درگیر شدند که با تیراندازی نیروهای سپاه چند تن از مردم مجروح و یکی از آنها با نام عبود جلیزی از اهالی روستای جلیز جان خود را از دست داد. وی کشاورز بود و ۶ فرزند داشت. براساس گزارش مقامات حکومتی مردم خوزستان به دلیل همین عدم اعتماد به حکومت حاضر به ترک محل سکونت خود نبوده و تلاش دارند تا با دست‌های

خود، مانع نابودی مزارع و خانه و کاشانه خود شوند. این بی‌اعتمادی از عملکرد حکومتی ناشی می‌شود که هیچ‌گاه به وعده‌های خود از جمله در جبران خسارات سیل به همین کشاورزان در سال‌های گذشته عمل نکرده است.

در حالی که صدها هزار نفر تا اینجا خانه و کاشانه‌شان را از دست داده و چیزی برای خوردن ندارند، مقامات حکومتی از روحانی گرفته تا جعفری از سیل به‌عنوان برکت خدا یاد



خواهد شد. اهالی روستای سیدعباس (عبدالخانن پایین) نیز در بزرگراه شوش دست به اعتراض زدند. پیش از این مردم آق‌قلا و دیگر مناطق سیل‌زده استان گلستان نیز بارها دست به اعتراض زده بودند و امام جمعه شیراز از فحش خوردن از مردم هنگام بازدید از مناطق سیل‌زده شیراز خیر داده بود. "نماینده پلدختر" در مجلس اسلامی نیز در گفتگو با خبرنگاری این‌ها گفت: "در پی ضعف در امدادسانی و بی‌توجهی مسئولان به وضعیت سیل‌زدگان لرستان، مردم شهرستان پلدختر واکنش تندی نسبت به استاندار لرستان و نماینده این شهرستان داشتند".

در پی گسترش اعتراضات، رحمانی فضلی وزیر کشور، مردم معترض را تهدید به سرکوب کرد. حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی نیز سخنان رحمانی را تکرار کرد و گفت: "پلیس با اخلاص‌گران نظم و امنیت در مناطق سیل‌زده قاطعانه برخورد می‌کند". وی از تقویت نیروهای سرکوب در مناطق سیل‌زده خبر داد و گفت: "پیش از ۱۰۰۰ نفر نیروی کمکی از شهرستان‌های اطراف و یگان ویژه به این مناطق اعزام شده‌اند".

دولت جمهوری اسلامی در جریان سیل همچنین تلاش کرد تا یکی از مشکلات کم‌کسانی به سیل‌زدگان را به دشمن خارجی نسبت دهد که مانع ارسال کمک‌های خارجی به سیل‌زدگان شده است. اما "ایگنیپس ایولف یورک" از دفتر روابط عمومی صلیب سرخ جهانی در ژنو سوئیس ضمن تکذیب این مساله آمادگی صلیب سرخ جهانی را برای کمک به سیل‌زدگان اعلام و گفت: "صلیب سرخ جهانی محدودیتی برای این کار ندارد". پیش از این جهانگیری گفته بود کشوری که خودش این همه ثروت دارد نیازی به کمک‌های خارجی برای سیل‌زدگان ندارد.

دولت در این مدت در تامین غذا، آب آشامیدنی، لباس، مسکن و دیگر نیازهای ضروری مردم سیل‌زده کاملاً ناتوان بوده است. برای نمونه دولت در حالی خواستار خالی شدن برخی از شهرها و روستاها با جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر در خوزستان شده است که هیچ فکری برای

با انتشار پیامی "رسانه‌های معاند و عوامل پشت صحنه" را منم کرد که "بندبال تزریق ناامیدی به ملت و ناکارآمدن نشان دادن نظام در حل بحران‌های ناشی از حوادث طبیعی" هستند. اما واقعیت این است که این ناکارایی جمهوری اسلامی در حدی بود که حتماً مقامات حکومتی را به جان یکدیگر انداخت و مقامات نظامی و کابینه روحانی بارها یکدیگر را هدف اتهامات خود قرار دادند. رسانه‌های وابسته به سپاه همچون خبرگزاری‌های فارس و تسنیم با همراهی صدا و سیمای جمهوری اسلامی در این میان کوشیدند با بزرگ‌نمایی فعالیت‌های نیروهای سپاه، واقعیت‌ها را واژگونه جلوه دهند اما واقعیت‌ها آن‌چنان عیان بوده و هست که این تبلیغات "گوبلزی" هرگز نتوانست در تصویری که از ناکارایی و عدم احساس مسئولیت حکومت بر ذهن مردم حک شد، تغییری ایجاد کند.

از همین رو بود که مقامات حکومتی از جمله فرماندهان سپاه در جریان حضور نمایشی‌شان در مناطق سیل‌زده با هجوم و اعتراض مردم روبرو شدند. احمد خادم فرمانده قرارگاه کربلای سپاه پاسداران در پی هجوم و حمله مردم با سنگ و بیل و چوب، در پناه محافظان خود مجبور به ترک فوری منطقه شد. محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نیز با اعتراض و فحش‌های مردم روبرو شد که به او می‌گفتند: "همه تون قاچاقچی هستین... برای چی اینجا اومدی... حیوان... بی‌شرف برو... می‌خوای سلفی بگیری...". در پلدختر محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه با اعتراض مردم روبرو شد و وقتی یک جوان از او پرسید: "چرا بعد از سه روز اول نیومدین؟"، محافظان وی به جوان معترض حمله کردند. در شیراز و خرم‌آباد مردم با نیروهای سپاه درگیر شده و سنگ‌پرانی کردند. در جریان حضور نقدی فرمانده بسیج در مناطق سیل‌زده لرستان، وی با اعتراض مردم روبرو شد و یکی از جوانان او و حکومت اسلامی را تهدید کرد که اگر تمام خسارات مردم توسط حکومت جبران نشود تمام ایران با سیل اعتراض مردم روبرو



می‌کنند و این‌که باید قدر این برکت را دانست. اما در واقع این سیل نتیجه چهل سال چپاول و دزدی و بی‌لیاقتی حکومت است. حکومتی که هرگز به زیرساخت‌ها و طبیعت توجهی نداشته و نه فقط کارگران و زحمتکشانش را به فقر کشانده بلکه طبیعت را نیز نابود کرده است. سیل اخیر نمونه‌ای است که نباید آن را فراموش کرد. سیل اخیر نشان داد که مردم ستم‌دیده کشور در یک سو و حاکمیت در سوی دیگر قرار دارد و این مردم برای رهایی از ستم تنها یک راه دارند و آن اتحاد و همبستگی و سازمان‌یابی است. مردم مناطق سیل‌زده برای رسیدن به خواست بر حق خود یعنی جبران خسارات سیل از سوی حاکمیت، جبران کامل و بی‌قید و شرط آن (نه دادن وام که مردم را بدهکار می‌کند) باید خود را سازمان داده و حق خود را از حلقوم حکومت بیرون بکشند و فراموش نکنند که حق گرفتن‌ست نه دادنی.

## سیل کنونی نه "برکت" که نشان بی‌لیاقتی حکومت دزدان و فاسدان است

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 816 April 2019

ویران شده‌اند. سیل در ۲۴ استان کشور خسارات سنگینی به بار آورد. صدها هزار نفر بویژه در استان‌های گلستان، لرستان، کرمانشاه و خوزستان خانه و تمام دارایی‌های خود را که حاصل یک عمر کار و زحمت بوده از دست داده‌اند. به گفته وزیر راه و شهرسازی و براساس برآوردهای اولیه ۵۵ هزار خانه برای سیل‌زدگان نیاز است. در بسیاری از روستاها حتی یک خانه سالم نمانده است. تنها در بروجرد ۱۶۰۰ خانه در مناطق روستایی ویران شده‌اند. بسیاری از پل‌ها در روستاهای بروجرد تخریب شده و ۱۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی نیز زیر آب رفته است. در خراسان شمالی نیز ۹۰۰ واحد مسکونی خانواده‌های تحت پوشش "کمیته امداد" تخریب شده است.

در صفحه ۱۰

سیل همچنان از میان مردم ستمدیده قربانی می‌گیرد. براساس آمارهای حکومتی تاکنون ۷۰ نفر متأسفانه جان خود را از دست داده و ۷۸۶ نفر مصدوم شده‌اند. همچنین براساس گفته‌های مقامات حکومتی به دلیل عدم دسترسی به برخی از روستاهای سیل‌زده، از سرنوشت بسیاری از مردم بویژه در این مناطق خبری در دست نیست. برای نمونه به‌گفته‌ی آخوند موسوی امام جمعه شهر معمولان لرستان از سرنوشت مردم در ۶۰ روستا هیچ خبری نیست و ۷۲ ساعت مردم این شهر بدون غذا مانده بودند، وی گفت: "مردم از صدای هلی‌کوپتر دیگر چندشان می‌شود چون فقط بالای شهر می‌آیند و می‌روند".

به گفته‌ی وزیر کشور در خوزستان ۴۰۰ هزار نفر در معرض سیل قرار دارند که باید خانه‌های خود را ترک کنند. شهرهای معمولان و پلدختر



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳**

سه‌شنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳**

پنجشنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

**جمعه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳**

بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

**شنبه: ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۲**

یکشنبه: بازپخش ۳:۳۰ بامداد - ۹:۳۰ صبح - ۱۵:۳۰ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی